

گزارش نخستین آئین نکوداشت راویان تاریخ شفاهی (هشتم اسفند ۱۳۹۶)

رویا محمد لو^۱

مقدمه^۲

پس از ۲۵ سال فعالیت در حوزه تاریخ شفاهی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران مقارن با سالگرد هشتاد سالگی تأسیس کتابخانه ملی و به پاسداشت هزارمین مصاحبه تاریخ شفاهی، تصمیم به بزرگداشت یاد و نام کسانی گرفت که حُسن نظر و اعتماد آن‌ها منجر به پاگرفتن فعالیت تاریخ شفاهی در این سازمان شد. ۲۵ سال پیش در اواخر سال ۱۳۷۱ سازمان اسناد ملی ایران نسبت به راه اندازی اداره آرشیو شفاهی اقدام نمود که هدف آن انجام مصاحبه با شخصیت‌های علمی، فرهنگی، هنری و سیاسی بود. این وظیفه در حوزه تاریخ شفاهی شناسائی و دنبال شد. روش کار، شناسائی شخصیت‌های اثرگذار در تاریخ معاصر ایران و انجام مصاحبه به روش پژوهش تاریخی با آن‌ها بود. این کار در زمان آغاز، علی‌رغم ناشناخته‌بودن و فقدان تجربه لازم، با استقبال روبرو شد و مصاحبه با چهره‌های اثرگذار در حوزه‌های مختلف آغاز شد.

شروع فعالیت در مرکز تهران بود و به تدریج با بازگشائی مدیریت‌های استانی در این دفاتر نیز شروع به انجام مصاحبه شد که از مهم‌ترین مدیریت‌ها می‌توان به مدیریت‌های سازمان در استان‌های یزد، همدان، کرمان، زاهدان، اصفهان، فارس اشاره نمود. از همین رهگذر است که به‌طور نمادین در این مراسم، از هزار مصاحبه‌شونده تاریخ شفاهی تقدیر به‌عمل آمد؛ با وجودی که تعداد مصاحبه‌شوندگان تاریخ شفاهی در این سازمان بیش از این است.

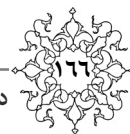
این برنامه در روز سه‌شنبه هشتم اسفند ماه ۱۳۹۶ با حضور مسئولان بلندپایه سازمان و جمع قابل‌توجهی از چهره‌ها و شخصیت‌های تاریخ معاصر ایران برگزار شد. برنامه با تلاوت آیات قرآن مجید و پخش سرود جمهوری اسلامی آغاز شد و در ابتدا سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی به

۱. کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان؛ کارشناس برنامه‌ریزی و بررسی اسناد و مدارک کشور؛ ro.mohamad@gmail.com
۲. مقدمه این گزارش را خانم شفیقه نیک نفس نگاشته است.



حضار خوشامد گفته و سخنانی را ایراد نمودند؛ در ادامه جناب آقای دکتر محسن حاجی میرزائی، دبیر محترم هیئت دولت سخنرانی ایراد نموده و از عملکرد سازمان اسناد و کتابخانه ملی در زمینه تاریخ شفاهی ابراز رضایت نمودند. سپس برنامه با سخنرانی جناب آقای دکتر کمال خرازی، وزیر اسبق امور خارجه ادامه پیدا کرد. سپس جناب آقای دکتر سیدحسن شهرستانی، رئیس سابق سازمان اسناد ملی ایران و استاد دانشگاه به ایراد سخنرانی پرداخته و با ذکر خاطراتی از برخی بزرگان حاضر در جلسه بر اهمیت ثبت و ضبط تاریخ شفاهی تأکید کردند. پس از آن برنامه رونمایی از ۴ عنوان کتاب تاریخ شفاهی تازه انتشار یافته «خاطرات و مخاطرات» شامل مصاحبه تاریخ شفاهی با دکتر کمال خرازی، با تحقیق و تدوین خانم حوریه سعیدی؛ «ستاره فروزان» شامل مصاحبه تاریخ شفاهی با نوش آفرین انصاری، با تحقیق و تدوین خانم پیمان صالحی؛ «دل سپرده به کودکان» شامل مصاحبه تاریخ شفاهی با ثریا قزل ایاغ، با تدوین و تحقیق خانم پیمان صالحی و «عدالت و سیاست» شامل مصاحبه تاریخ شفاهی با احمد صدر حاج سید جواد، با تحقیق و تدوین دکتر قربانعلی کنارودی برگزار شد و پس از آن از ۱۵ شخصیت به عنوان راویان برگزیده تقدیر به عمل آمد. این شخصیت‌ها عبارت بودند از: استاد احمد سمیعی گیلانی، عضو پیوسته فرهنگستان ادب فارسی، دکتر کمال خرازی وزیر اسبق امور خارجه، استاد محسن محسنی هنرمند برجسته هنرهای سنتی ایران، دکتر سید حسن عارفی رییس دانشگاه تهران، وزیر علوم، پزشک حضرت امام خمینی (ره)، مرتضی حاجی وزیر اسبق تعاون و آموزش و پرورش، دکتر نصرالله پورجوادی عرفان پژوه برجسته و عضو فرهنگستان ادب فارسی، مهندس احمد آل یاسین متخصص عمران و توسعه، دکتر ایرج فاضل وزیر اسبق علوم تحقیقات و فناوری، وزیر اسبق بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مؤسس فرهنگستان علوم پزشکی، خانم نوش آفرین انصاری عضو هیئت مدیره و دبیر شورای کتاب کودک، حسن طاهر دل معاون اسبق وزیر اقتصاد و دارائی، دکتر اقبال قاسمی پویا، متخصص علوم تربیتی، تیمسار خلبان ستاد محمد انصاری فرمانده اسبق هوانیروز، محمود بازرگانی محبوس زندان‌های رژیم پهلوی و آزاده، نبی کورش نیا مسئول امور جنگ‌زدگان در وزارت کشور و دکتر تقی آزاد ارمکی، جامعه‌شناس و استاد علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

در بخش دوم تعداد ۳ تن از اساتید حاضر از جمع مصاحبه‌شوندگان سخنرانی نمودند و به بیان تجربیات خویش از برنامه تاریخ شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی پرداختند. این سخنران‌ها به ترتیب عبارت بودند از سرکار خانم نوش آفرین انصاری، جناب آقای حسن طاهر دل و جناب آقای دکتر اقبال قاسمی پویا. همچنین پخش نماهنگ‌هایی با مضامین مربوط به مصاحبه‌شوندگان، جلسات مصاحبه، مصاحبه‌کنندگان، فعالیت تاریخ شفاهی در سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، کتاب‌های منتشر شده حوزه تاریخ شفاهی در این سازمان از جذابیت‌های این برنامه بود. حضور جمع ارزشمندی از اساتید و چهره‌های فرهنگی، سیاسی، هنری و نظامی که طی



سال‌های گذشته با آن‌ها مصاحبه شده بود، رونق و گرمی به این مراسم بخشیده و بر قدر و اعتبار آن افزوده بود و در کنار آن، اجرای منظم برنامه و رعایت زمان‌بندی برنامه‌ها، موجب شد که نظم جلسه حفظ شده و به نحو وزین و شایسته‌ای برگزار گردد.

از جمله بزرگانی که در این مراسم شرکت داشتند عبارت بودند از: دکتر احمد صافی، دکتر سیدحسین شهرستانی، دکتر فریبرز خسروی، مهندس سیدحسین شفتی، یدالله طاهرنژاد، محمدحسین اصغرینیا، دکتر حسین محتشم نوری، عبدالعلی حسینیون، استاد منوچهر فروغیه، خانم پروین کیمیائی، دکتر محمدباقر خانلری، استاد غلامحسین محمودی، منصور افتخاری، دکتر سعید رضائی شریف‌آبادی، مصطفی نشاط تهرانی و ...

از دستاوردهای این برنامه می‌توان به تأکید بر نقش مرجعیت سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران در حوزه تاریخ شفاهی دولت و ثبت مدیریت دانش اداری، جایگاه تاریخ شفاهی در سیاستگذاری عمومی و ارتقاء آن و به نوعی بهبود حکمرانی در کشور اشاره کرد. به عبارتی باید اذعان نمود که ثبت و ضبط تاریخ شفاهی در دستگاه‌های اجرائی امری ضروری است و اینک زمانی است که باید در این زمینه جدیت نمود و راهکارهای اجرائی شدن آن در دستگاه‌های دولتی را یافت و برای آن ممارست نمود تا گنجینه‌های نانوشته و ثبت‌نشده، در قالبی دست‌یافتنی و مفید قرار بگیرند و موجب تقویت دانش مدیریت در ایران شوند. به امید خداوند متعال.

در پایان لازم است که از عوامل علمی و اجرائی این همایش در پژوهشکده اسناد و گروه تاریخ شفاهی به‌خصوص آقای غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشکده اسناد، دبیر علمی و خانم پیمانہ صالحی، دبیر اجرائی آن تشکر و قدردانی گردد.

در زیر متن کامل سخنرانی‌های مراسم نکوداشت راویان تاریخ شفاهی را می‌خوانید.

متن سخنرانی: سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله.

سلام عرض می‌کنم خدمت همه عزیزان و بزرگوارانی که قدم رنجه فرمودند و در این محفل دوستی و محفل مؤانست شرکت کردند که بتوانیم با هم یک مروری داشته باشیم بر ضرورت و اهمیت تاریخ شفاهی، آن هم در هشتاد سالگی تأسیس کتابخانه ملی. همان طوری که دوستان مستحضر هستند، بر اساس مقررات موجود و بر اساس دستورالعمل دولت، به‌ویژه دولت تدبیر و امید، در زمینه تدوین تاریخ شفاهی بخشنامه‌ای به دستگاه‌ها اعلام کردند، برای کسانی که صاحبان



تجربه، صاحبان اندوخته، صاحبان اندیشه، و صاحبان تجارب ارزشمندی هستند که می‌تواند به نسل‌های بعد منتقل بشود.



من خوشامد عرض می‌کنم خدمت همه شما بزرگواران و تأکید می‌کنم که با این نشستی که امروز برگزار می‌شود، در حقیقت بر آن هستیم که بتوانیم مجدداً ضرورت مسئله را با یکدیگر مرور بکنیم. اما اینکه چرا تاریخ شفاهی؟ چون تاریخ به هر حال مکتوب می‌شود، در دست‌نوشته‌ها موجود است، در اسناد موجود است، ولی چه لزومی دارد که ما برویم به سمت تاریخ شفاهی؟ وقتی که به گذشته و مستندات موجود نگاه می‌اندازیم، می‌بینیم که بسیاری از این اسناد و بسیاری از این مکتوبات به‌نظر می‌رسد که ناگفته‌هایی دارند که نتوانستند آن‌ها را به قلم بنگارند و لازم بود که از زبان و بیان صاحبان تجربه و صاحبان اندیشه و کسانی که در این زمینه اقدامات و تجاربی را داشتند بتوانند از آن‌ها استفاده بکنند. بر همین اساس، طبیعی است که ضرورت تاریخ شفاهی نمی‌تواند بر کسی پوشیده باشد. شاید خیلی از کتاب‌هایی که امروز تدوین می‌شوند - اگر دوستان نگاه بکنند - به‌عنوان خاطره‌نویسی، به‌عنوان دست‌نوشته، به‌عنوان یادداشت‌های روزانه، در واقع می‌تواند در آینده اسنادی باشد برای نسل‌های بعد که از تجربیات و از رخدادهای اجتماعی که اتفاق می‌افتد، از افراد سؤال شده و به‌نگارش درآمده است.

پس یک دلیل اینکه ضرورت دارد که به تاریخ شفاهی پرداخته شود، این است که بعضی از نکات ظریف و دقیقی که می‌تواند منشا اثر، منشا نفوذ، و منشا تغییر تصمیمات بشود، همین گفته‌ها و شنیده‌هایی است که افراد دارند و باید آن‌ها را به دیگران منتقل بکنند. نکته دیگر این است که

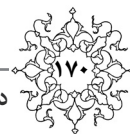
خیلی از شخصیت و چهره‌ها و اشخاصی که این گفت‌وگو با آن‌ها صورت گرفته، احساس نمی‌کردند که می‌توانند بر روند شکل‌گیری تاریخ این سرزمین و فرهنگ این مردم تاثیرگذار باشند و فکر می‌کردند که آن‌ها نادیده گرفته شدند و به حاشیه رانده شدند. امروز در تجلیل از همین ۱۰۰۰ نفر، ۱۰۰۰ شخصیتی که با آن‌ها صحبت شده در قالب تاریخ شفاهی و خاطرات و یادداشت‌هایشان گرفته شده و بعضی از آن‌ها اسنادشان را هم منضم کردند و اگر چیزی در اختیار داشتند به اینجا تحویل دادند، نشان می‌دهد که این نکته‌ای که عرض کردم، خیلی مشهود است و خیلی از آن‌ها احساس می‌کردند که فراموش شده تاریخند. در حالی که آن‌ها اثرگذار بودند و می‌توانستند ایفای نقش بکنند. نکته دیگر در ارتباط با تاریخ شفاهی این است که اگر ما تاریخ شفاهی را فقط بر پایه شخصیت افراد قرار بدهیم، باز یک بخشی از تاریخ شفاهی ما مورد غفلت قرار می‌گیرد. یعنی فرض کنید فردی را که می‌دانیم که می‌داند و شنیده است و یا مسائلی در درون خودش دارد که باید از او گرفته شود و به نگارش در بیاید، به عنوان یک شخصیت مورد توجه است و خاطراتش از او گرفته می‌شود. اما بعضی وقتها هست که اتفاقات و حوادثی که در جامعه رخ می‌دهد و آن فرد در آن مقطع زمانی حضور دارد، اما این حضورش به این معنا نیست که خودش هم تاثیرگذار بوده باشد. لذا لازم است که نظرات این افراد هم گرفته شود که بتواند این تغییر را ایجاد بکند در آینده یا ما بتوانیم از آن رویکرد و آن حادثه تاریخی یک نگاه جامعی را بدست بیاوریم.

با این نکاتی که عرض کردم، چون قصد سخنرانی که نداشتم، یعنی بنا نبود که من سخنرانی به معنای سخنرانی داشته باشم، بلکه صرفاً برای خوشامدگویی و عرض ادب و احترام به همه عزیزانی که ایفای نقش کردند در تدوین تاریخ شفاهی این سرزمین، وظیفه‌ام بود که بیایم خدمتتان و خوشامد بگویم، تاکیدم بر این چند نکته به خاطر این است که دوستان بدانند که رویکرد مجموعه سازمان اسناد و کتابخانه ملی این است که در آینده بخشی از مستندات خودش را معطوف بکند به همین تاریخ شفاهی و اطلاعاتی که از این راه بدست می‌آورد یا اسنادی که از شخصیت‌ها جمع‌آوری می‌کند. این می‌تواند به غناسازی اسناد ما کمک بکند و می‌تواند به عنوان یک مرجع برای صاحبان اندیشه که می‌خواهند تحقیق و تفحص بکنند، می‌تواند به عنوان مرجع مورد توجه آن‌ها قرار بگیرد. لذا با توجه به اصل تاثیرگذاری شخصیت‌ها و افراد در ساختار تاریخ یک سرزمین و در شکل‌گیری فرهنگ جامعه، در شکل‌گیری رفتارهای فردی افراد که همه اینها نشأت گرفته از باورها و اعتقادات کسانی است که می‌توانند اثرگذار باشند و این اثرگذاری بعضاً مورد غفلت قرار می‌گیرد و یا اجبائاً اگر هم مورد توجه قرار بگیرد، شاید به بعضی از جنبه‌هایش پرداخته بشود. در حالی که هر انسانی باورهایش، داشته‌هایش و منشا تاثیرش و سهم نفوذش و سهم تاثیرش در شکل‌گیری روندهای مربوط به انقلاب شمول دارد و شامل خیلی از مباحث مختلفی است که می‌تواند این را معنا ببخشد. بنابراین، امیدوارم که این نشست بتواند یک طلبه‌ای باشد برای

۱. کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، کارشناسی برنامه‌ریزی و بررسی اسناد و مدارک کشور. ro.mohamad@gmail.com



عزیزانی که می‌دانند تاثیرگذارند، ولی خودشان را کنار کشیدند و به میدان نیامدند که تاریخ را نقل بکنند و یا ما غفلت کردیم از اینکه آن‌ها را به میدان بیاوریم و از آن‌ها بخواهیم که ناقلین وقایع، اتفاقات، رخدادها و حوادث زمانه باشند. چرا که همه اینها می‌تواند ساختار فرهنگی آینده این سرزمین را رقم بزند و می‌تواند برای نسل‌های بعد به عنوان یک پشتوانه، به عنوان یک پایگاه مستحکم در این که اصالت فردی و هویت فردی خودش را بداند که باید از کجا بدست بیاورد و چگونه آن را کسب بکند. این نکته بسیار مهمی است که ما برای آیندگان و برای رسیدن به یک موقعیت برتر در جامعه و یک موقعیت فرهنگی متعالی، چون ما همه ادعای آن را داریم، حرفش را می‌زنیم، معتقد هستیم به این که فرهنگ می‌تواند حرف اول را بزند، باید مورد اقبال قرار بگیرد. ان‌شالله با همین رویکرد بتوانیم این جلسه و جلسات آتی خیلی پررنگ‌تر از حضور راویان تاریخ شفاهی بهره بیشتری ببریم. والسلام علیکم و رحمه‌الله.



متن سخنرانی: آقای دکتر محسن حاجی میرزایی، دبیر محترم هیئت دولت

بسم الله الرحمن الرحيم

هشتادمین سالروز تأسیس کتابخانه ملی ایران را به حضار گرامی و همه اصحاب فرهنگ و هنر کشور تبریک عرض می‌کنم. خیلی خوشحالم از زمانی که تصمیم هیئت دولت ابلاغ شد، حرکت‌های با ارزشی در جهت توسعه تاریخ شفاهی انجام شده و به‌مدد سازمان اسناد و کتابخانه ملی [تاریخ شفاهی] به تدریج به‌عنوان یک روش پژوهش، روشی برای حفظ و نگهداری و مستندسازی و به اشتراک گذاشتن دانش و فهم افراد ایجاد شده است. به سهم خودم از سرکار خانم بروجدی و همه کسانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند تشکر می‌کنم. هرچند عده‌ای دانش شفاهی را به جهت اینکه بسیار شخصی است و مبتنی بر دریافت‌های شخصی افراد است، در زمره دانش طبقه‌بندی نمی‌کنند، اما من به دلایلی اعتقاد دارم که بدون تردید یکی از مهم‌ترین منابع دانش ناب، کندوکاو در اذهان افراد است که شاید از مسیر دیگری دریافت این دانش با این کیفیت میسر نباشد. بنابراین، به جهاتی شاید تاریخ شفاهی یک روش ویژه و منحصر برای رسوخ در اذهان افراد و کشف و استخراج دانش نهفته در آن است؛ دانشی که حتی ممکن است در خودآگاه حامل آن نیز وجود نداشته باشد و از طریق فرآیند کشف و در قالب طرح پرسش‌های ویژه و به‌وسیله پژوهشگران آگاه می‌توان به آن دست یافت.



به تاریخ شفاهی از زوایای مختلفی نگاه شده است و [این روش] امکانی است برای کاویدن ذهن انسان‌ها و استخراج دانش نهفته در ذهن آنها. باید گفت مجموعه سرمایه‌های عظیمی که در طبیعت به ودیعت نهاده شده و انسان‌ها تلاش می‌کنند که اینها را استخراج بکنند و با استخراج آن‌ها تحولات بزرگی را در تاریخ بشر که موجب شدند، کاویدن در اندیشه انسان‌ها و ذخایر ذهنی آن‌ها نیز سرمایه بسیار ارزشمندی است که نیازمند کشف و استخراج است. من سال گذشته در



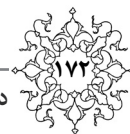
همین جلسه در این باره صحبت کردم و امروز می‌خواهم از منظر دیگری یعنی سیاست‌گذاری عمومی و جایگاه موضوع تاریخ شفاهی در سیاست‌گذاری عمومی و ارتقاء سیاست‌گذاری عمومی و به‌نوعی بهبود حکمرانی در کشور، به این موضوع بپردازم و نکاتی را خیلی کوتاه در محضر اساتید محترم عرض کنم.

از مهم‌ترین کارکردهای دولت‌ها که معیاری برای سنجش کارآمدی آنان نیز هست، سیاست‌گذاری عمومی است. سیاست‌گذاری عمومی یک مفهوم به‌شدت پویا و متغیر است. تغییرات مستمر محیط و همه‌بازیگران دخیل در آن و تغییرات مستمر اقتضانات، امر سیاست‌گذاری عمومی را به یک امر بسیار دشوار و پیچیده تبدیل می‌کند.

حل مسئله در کانون سیاست‌گذاری است، یعنی مهم‌ترین موضوعی که در سیاست‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد، حل مسئله است. اگر به اداره کارآمد کشور و تامین بیشترین منافع برای جامعه فکر بکنیم، اگر به دنبال تأمین شرایط لازم برای استمرار و بقای جامعه باشیم و اگر بخواهیم مواجهه مؤثر و فعال با تغییرات بسیار گسترده و پرشتابی که همه زندگی ما را در بر می‌گیرد داشته باشیم، اگر به کارآمدی و اثربخشی دولت بیاندیشیم، همه و همه مستلزم توانایی یک دولت برای حل مسئله است؛ حل پایدار و اثربخش مسائل.

بسیاری از موقعیت‌هایی که دولت‌ها در معرض آن قرار می‌گیرند، موقعیت حل مسئله است و بنابر این میزان توانایی یک دولت را در حل پایدار مسائل می‌سنجند. اینکه در دوران مسئولیت هر دولت چه مسائلی و با چه کیفیتی و با چه میزان از پایداری حل و فصل شده است معیار اندازه‌گیری توفیق دولت‌هاست و دولت‌ها از این حیث تمایزات مهمی نسبت به یکدیگر دارند.

وقتی که حل یک مسئله در کانون توجه و مأموریت یک دولت و حتی یک نگاه قرار می‌گیرد؛ برای حل آن، رمزگشایی از چرایی و چگونگی رویداد یا رویدادهایی که مسئله محصول آن است، یک گام بسیار مهم و اساسی است. معمولاً به سادگی می‌توان فهمید که چه تصمیماتی اتخاذ شده یا چه اقداماتی انجام شده است اما زمانی که سؤال از چرایی و چگونگی این تصمیمات و اقدامات به میان می‌آید؛ آنچه در اذهان تصمیم‌گیران و عاملان اصلی وجود دارد اهمیت به‌سزائی در فهم تصمیم و اقدام است. اینکه او چه فهم و تفسیری از موضوع داشته است، درک او از محیط و عوامل تأثیرگذار چه بوده است، چه نگرانی‌ها و چه امیدهایی داشته است، چه بازخوردی را انتظار داشته است، تبعات تصمیم‌گیری و یا عدم تصمیم‌گیری، اقدام یا عدم اقدام را چه می‌دانسته است و در مجموع بر پایه چه ادراکی دست به تصمیم یا اقدام زده است، بسیار اهمیت می‌یابد و پاسخ همه این سؤالات را بایستی در اذهان و اندیشه عاملان و به روش‌های دقیق علمی جستجو کرد. همچنین اینکه چگونه این تصمیم را اتخاذ کرده یا چگونه این اقدام را انجام داده است، حامل تجربیات ارزشمند و بسیار مهمی است که در پرتو کاویدن در ذهن افراد قابل دستیابی هستند.



در پدیده‌هایی که ما مورد مطالعه قرار می‌دهیم، در موضوعاتی که برای تصمیم‌گیری درباره آن‌ها اهتمام می‌کنیم، نقش عامل نقش بسیار مهمی است. معمولاً از متن و زمینه (TEXT & CONTEXT) صحبت می‌شود، اما به گمان من عامل نیز بسیار مهم است و در مواردی حتی فهم عامل از متن و فهم عامل از زمینه مهم‌تر، است و تا امکان رسوخ در اذهان عاملین اصلی یک موضوع نباشد، امکان فهم دقیق‌تر حاصل نخواهد شد. ممکن است که دریافت‌های عامل و آن چیزی که در ذهنش شکل گرفته و برداشت او از واقعیت، برداشت دقیق و صحیحی از واقعیت نباشد، اما مهم این است که این برداشت منشأ تصمیم یا اقدام شده است و فهمیدن اینکه چه نوع نگاهی به پدیده‌ها تصمیم یا اقدام را موجب شده است و استراتژی‌ها را شکل داده است، بسیار مهم است. البته کاویدن ذهن انسان‌ها، یک مصاحبه ژورنالیستی نیست، بلکه یک تکنیک بسیار پیچیده و یک پژوهش بسیار عمیقی است که بایستی پرسشگران اندیشمند این توانایی را داشته باشند که به چرایی و چگونگی تصمیمات و اقدامات در یک فرآیند پژوهشی پی ببرند.

من به عنوان کسی که در معرض سیاست‌گذاری عمومی کشور هستم، معتقدم که اگر ما نتوانیم راهی برای ورود به این اذهان پیدا کنیم و حاصل آن را سرمایه تصمیمات خود قرار بدهیم، معلوم نیست که توفیقات زیادی داشته باشیم. تکرار تجربیات تلخ نتیجه عدم درک درست از تصمیمات و اقدامات قبل است.

به عنوان مثال می‌خواهم یک نمونه‌ای را خدمت شما عرض کنم. مثلاً در موضوع برجام و توافقی که درباره آن انجام شد، میدان مهم و وسیعی برای اهتمام تاریخ‌شفاهی برای فهم آن چیزی که اتفاق افتاده وجود دارد. می‌توان اسناد و مدارک و گزارش جلسات حتی همه تفصیل مذاکراتی که انجام شده است را گرفت و مستند کرد و مشخص کرد که چه اتفاقی افتاده است. اما اینکه کسانی که در سطوح مختلف در شکل‌گیری این تصمیم مشارکت داشته‌اند، چه درکی از محیط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته‌اند، چه تفسیری از محیط بیرونی داشتند و چه اقتضائاتی آن‌ها را به این سمت هدایت می‌کرد و در فرآیند کار چه دریافت‌هایی منشأ تصمیم‌گیری شد، فوق‌العاده اهمیت دارد. این به نظر من ناب‌ترین دانشی است که نیاز جامعه امروز ماست. آنان چگونه می‌اندیشیدند؟ آثار و تبعات هر تصمیمی را چگونه ارزیابی می‌کرده‌اند؟ چه پیش‌بینی‌هایی از کنش و واکنش طرف‌های دیگر داشته‌اند؟ و بسیاری از سؤالات شبیه به اینکه منحصر از مسیر کاویدن در اذهان آنان قابل دستیابی است. حصل چنین تکاپویی می‌توان ناب‌ترین دانش سیاسی را در اختیار کنش‌گران سیاسی قرار دهد، به موضوعی برای تدریس در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی تبدیل شود و داده‌ها و اطلاعات ذی‌قیمتی را در اختیار پژوهشگران قرار دهد.

مسائلی که ما با آن روبه‌رو هستیم، غالباً مسائل بکری نیست. هرچند که تصویر و صورت و چارچوب‌های آن دائماً در حال تغییر است. مسائل امروز ما همان مسائل دیروزی است که انباشته‌تر



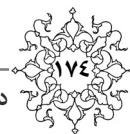
و پیچیده‌تر از گذشته رخ نموده است. اما روش‌های ما برای حل بسیاری از این مسائل، روش‌های قدیمی و فاقد کارائی و اثربخشی لازم است. وقتی که یک مسئله‌ای تبدیل می‌شود به یک مسئله مزمن و تاریخی، نشان می‌دهد که ابزارهای لازم برای حل مسئله ابزارهای کارآمدی نبوده است. گمان من این است که اگر ما بتوانیم در این زمینه مسیری را بگشائیم که همه عاملین خلق موقعیت‌های مختلف در طول دوره‌های زمانی گوناگون چرائی و چگونگی تصمیمات و اقدامات خودشان را تبیین کنند آن‌گونه که می‌اندیشیده‌اند، بهترین چراغ راه به دست خواهد آمد؛ برای اینکه تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و سنجیده‌تری داشته باشیم.

بسیاری از این تصمیمات به دلیل اینکه در معرض چنین دانشی قرار نمی‌گیرد، دچار کاستی است. شاید این دانش حتی برای خود عامل هم مجهول باشد، یعنی لزوماً به این معنا نیست که ذهن او نسبت به آن آگاه است. اما این توانمندی یک فرد مجهز به تکنیک تاریخ‌شفاهی است که قادر است از درون او کندوکاو کند، یعنی یک نوعی استخراج است و نیازمند یک تکنولوژی خیلی دقیق و پیچیده است که از کنار هم چیدن آن چیزهایی که استخراج می‌کند و تنقیح، و تبدیل آن به یک دانش، زمینه‌های لازم را برای تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و مناسب‌تر فراهم کند. مسائلی مثل فقر، عدالت، اشتغال، بهره‌وری، مسائل مربوط به نظام بانکی، رشد پایدار اقتصادی، اینها همه مسائلی است که ما در باره آن تصمیمات متعددی گرفتیم، سیاست‌های مختلفی را اتخاذ کردیم، مسیرهایی را رفتیم، در بعضی‌ها توفیقاتی را داشتیم، در بعضی‌ها توفیقاتمان پایدار بوده، در بعضی‌ها توفیقاتمان نسبی بوده، اما این که بتوانیم این گذشته را که مهم‌ترین داده ماست، برای یک تصمیم‌گیری سنجیده و درست، به‌خوبی فهم کنیم و در خدمت تصمیم‌گیری قرار بدهیم، از عهده کسانی بر می‌آید که در کار تاریخ‌شفاهی فعال هستند و کار می‌کنند.

برای ارتقای توانمندی‌ها، کارائی و اثربخشی نظام سیاست‌گذاری عمومی کشور پیشنهاد من این بود و قبلاً هم در این باره اقداماتی انجام شده که این مهارت باید به میزان گسترده‌ای در سطح کل سازمان‌های ما توسعه پیدا کند. گمان بر این است که در کنار هر پروژه بزرگ، باید حتماً یک گروه تاریخ‌شفاهی باشد و دائماً پدیده‌هایی که شکل می‌گیرد، تصمیماتی که اتخاذ می‌شود، فهم کند و اینها را ثبت کند و برای دیگران به یادگار بگذارد.

این کار به‌طور خیلی جدی و اساسی از خاطره‌نویسی و خودنوشت‌هایی که افراد می‌نویسند متمایز است. این کار نیازمند به یک طراحی است که در درون ذهن انسان‌ها عناصری را شناسایی کند که سرمایه خوبی برای تصمیم‌گیری‌های کارآمد و اثربخش است. امیدوارم که گروهی که به این کار مهم اهتمام می‌کنند، تعدادشان را روز به روز گسترده‌تر بشود و کشور ما از سرمایه تاریخ‌شفاهی بهره‌های بیشتری را ببرد.

از اینکه مصدع اوقات شدم، عذر می‌خواهم. والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته.



متن سخنرانی: آقای دکتر کمال خرازی

بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن عرض تشکر از سرکار خانم بروجردی و عزیزان و همکاران ایشان که چنین برنامه‌ای را ترتیب دادند، طبیعتاً در اهمیت نگارش تاریخ شفاهی تردیدی نیست و این تجربه‌ای است که بسیاری از کشورها انجام دادند و در جمهوری اسلامی هم سعی بلیغی در آن وجود داشته- همان‌جوری که توضیح داده شد- که تاریخ شفاهی افرادی که دست اندر کار مسائل سیاسی، هنری، علمی و غیره بودند، ثبت و نگهداری بشود. آنچه که در ثبت تاریخ شفاهی مهم است، کیفیت آن است و کیفیت ثبت تاریخ شفاهی منوط به چند موضوع، مسئله، و عامل است. در واقع سه عامل: مصاحبه‌شونده، مصاحبه‌کننده، و موضوع نقش مهمی دارد در کیفیت آنچه که تولید می‌شود. مصاحبه‌کننده خودش یک عامل بسیار مهمی است که چقدر تسلط داشته باشد بر موضوعی که می‌خواهد از ذهن مصاحبه‌شونده استخراج بکند. او باید خودش در آن حوزه متخصص باشد و منابع لازم را خوانده باشد تا بتواند چنین وظیفه مهمی را انجام بدهد. مصاحبه‌کننده صرفاً ضبط صوت نیست که مصاحبه‌شونده هر چه بخواهد بگوید و ضبط بشود و بعداً پیاده شود، بلکه- همان‌گونه که آقای حاجی‌میرزایی گفتند- باید این هنر را داشته باشد که از ذهن مصاحبه‌شونده مطالبی را استخراج بکند که به‌سادگی در دست کسی نیست. به‌خصوص وقتی که مسائل سیاسی مطرح می‌شود، با توجه به ماهیت مسائل سیاسی و امنیتی و ظرایفی که دارد، کار خیلی دشوارتر می‌شود که چگونه بتواند در لابلای ذهن فرد مصاحبه‌شونده آن نکات را استخراج بکند، در حالی که مصاحبه‌شونده هم بتواند آن‌ها را بیان کند. یا این قدر هنر داشته باشد که بتواند چنین استنباطی را بدون خواست مصاحبه‌شونده انجام بدهد و مطالبی را استخراج بکند که او به بیان نیاورده باشد. خب ماهیت مسائل سیاسی و امنیتی این پیچیدگی را دارد و کسی که در این مناصب بوده یا هست، نمی‌تواند همه مسائل را بیان بکند، به دلیل منافع ملی، به دلیل سواستفاده‌ای که دیگران ممکن است انجام بدهند و لذا مجبور هست که به اختصار بگذرانند یا به شیوه دیگری عمل بکند، بدون اینکه حاق مطلب و تمام رموزات کار مشخص بشود. یا در طول تصمیم‌گیری‌هایی که یک فرد سیاسی و امنیتی انجام می‌دهد، طبیعتاً دنیایی از پردازش داده و اطلاعات در ذهنش وجود دارد. خیلی از مسائل را باید در حالی که دارد پاسخ می‌دهد، بررسی بکند و به تصمیم برسد که چه چیزی را باید بگوید یا که چگونه در مقابل حریف و رقیبی که دارد مذاکره می‌کند، از چه دریچه‌ای وارد شود، با چه مضمونی، با چه ادبیاتی که بتواند به هدف خودش برسد. خب اینها پیچیدگی‌های بسیار زیادی را دارد که باید حتماً در تهیه تاریخ شفاهی افراد به‌خصوص افرادی که در این حوزه‌ها هستند، مورد توجه قرار بگیرد.

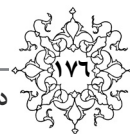
مصاحبه‌شونده باز باید این آمادگی را داشته باشد که آنچه اتفاق افتاده، به عینه بیان بکند و اینجا باز یک دشواری بزرگی پدید می‌آید و آن مقوله سوگیری‌های شناختی است که ما انسان‌ها با



آن روبه‌رو هستیم. آنچه که بیان می‌کنیم، الزاماً ممکن است که درست نباشد. نه این که بخواهیم خدا نکرده نادرست بگوئیم، بلکه به دلیل ساختارهای منفی و ذهنی ما و سوگیری‌هایی که انسان‌ها با آن روبرو هستند، به‌طور ناخودآگاه ممکن است دچار سوگیری یا انحراف بشود از واقعیت مطلب. خب ما انسان‌ها با سوگیری‌های بسیار زیادی روبرو هستیم. در دسته‌بندی‌هایی که می‌کنند شاید ۱۸۰ تا ۱۸۵ سوگیری را ذکر می‌کنند که انسان‌ها با آن روبرو هستیم و باید بدانیم که چگونه از این سوگیری‌ها اجتناب بکنیم تا آنچه که می‌گوییم، به واقعیت نزدیک باشد.

نفس مصاحبه با توجه به فوریت داشتن و اینکه از شما سؤالی می‌شود و شما باید فی‌البداهه به آن جواب بدهید، خودش یک مشکل ایجاد می‌کند. یک موقع هست که شما محقق هستید و در کتابخانه می‌نشینید و اسناد و مدارک در اختیارتان هست و آن‌ها را بررسی می‌کنید و گزارشی را می‌دهید، ولی وقتی یک سؤالی فی‌البداهه از شما می‌شود، شما چنین فرصتی ندارید که چنین تحلیلی را انجام بدهید، بلکه فی‌البداهه باید جواب بدهید. این فوریت امر، خودش مشکل زاست و لذا تمسک می‌کنید به اطلاعاتی که در دسترس شماست. این خودش یک سوگیری ایجاد می‌کند و همچنین توانایی‌های حافظه آن فرد مصاحبه‌شونده که چقدر از حافظه بالایی برخوردار است و وقایع را به عینه به یادش هست. انسان‌ها متفاوت هستند. بعضی‌ها حافظه‌شان خیلی قوی است و بعضی‌ها حافظه‌شان خیلی ضعیف است. بنابراین، این هم یک عاملی است که می‌تواند مؤثر باشد در کیفیت آنچه که تولید می‌شود.

خوشبختانه در سازمان اسناد و کتابخانه ملی شیوه‌نامه‌ای برای تدوین تاریخ شفاهی طراحی شده که شیوه‌نامه کامل و بسیار خوبی است، منتها طبیعتاً آموزش زیادی می‌خواهد، تجربه زیادی می‌خواهد تا آنچه که انجام می‌گیرد، دقیقاً پیاده شدن چنین شیوه‌نامه‌ای باشد که زحمات زیادی برای آن کشیده شده و تدوین شده است. به هر صورت، تاریخ شفاهی در عین ارزشی که دارد و می‌تواند به عنوان یک منبع مورد استفاده محقق قرار بگیرد، این نکته مهمی است که تصور نکنیم آنچه که به عنوان تاریخ شفاهی تهیه می‌شود، واقعیت تاریخ است. با توجه به توضیحاتی که عرض کردم و مشکلاتی که این پدیده با آن روبرو است، صرفاً به عنوان یک منبع باید برای آن ارزش قائل شد. در کنار مقوله دیگر و در کنار مستندات و اسناد قطعی‌ای که از یک برهه یا از یک وظیفه وجود دارد، می‌تواند آن اسناد و مدارک و واقعیات تاریخی را تبیین کند، ولی صرفاً به عنوان یک منبع و نه بیش از آن. بنابراین، در جای خودش کار بسیار باارزشی است. مخصوصاً اگر که با کیفیت بالا انجام بگیرد و برحذر باشد از همین مشکلات و دشواری‌هایی که تهیه یک تاریخ شفاهی دارد و در کنار منابع دیگر به عنوان یک منبع مورد استفاده قرار بگیرد تا وقتی آیندگان می‌خواهند مورد قضاوت قرار بدهند، از مجموع این منابع و اسناد بتوانند آنچه را که واقعیت تاریخ بوده، بدست بیاورند. اقدامی که در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران شده، به‌نحو شایسته



قابل تقدیر است و امیدواریم که مورد استفاده محققان قرار بگیرد و کمک بکند به روشن شدن بسیاری از مسائل و رویدادهایی که ما در کشورمان داشتیم. خیلی متشکرم



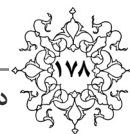
متن سخنرانی: خانم نوش آفرین انصاری

به نام خداوند گردون سپهر فروزنده ماه و ناهید و مهر

خدمت استادان و همکاران گرامی سلام عرض می‌کنم. نکاتی را که عزیزان در صحبت‌شان فرمودند تکرار نمی‌کنم. به سه چهار نکته اشاره می‌کنم. فکر می‌کنم به‌عنوان یک کتابدار و به‌عنوان کسی که به هر حال در شورای کتاب کودک خدمت می‌کنم، برای اینکه بحث تاریخ شفاهی در ایران قوام و دوام پیدا کند و به‌عنوان یک حرکت مردمی شکل بگیرد و جامعه احساس کند که دیده می‌شود، تجربه‌هایش مهم و قابل‌ثبات هستند، این کار را باید از کودکی شروع کرد. در بزرگسالی دیر است. در کودکی و نوجوانی است که باید به شیوه‌های مختلفی که الان در جهان هم وجود دارد، به نسل جوان نزدیک شد و او را در ثبت تاریخ شفاهی درگیر کرد. از ثبت دوستانش، از ثبت خانواده، پدرش، پدر بزرگش و او را علاقه‌مند کرد به اسناد و منابع تاریخی. وگرنه نسل از تاریخ دور می‌شود و در دام هیجانانگیز و اتفاقات دیگر می‌افتد.



پس بحث مهم به‌نظر من، توجه دادن به رسالت کتابخانه است. ما امروز دیگر نمی‌گوییم «کتابخانه جایی برای خواندن»، امروز کتابدارها می‌گویند «کتابخانه جایی برای با هم بودن»، «جایی برای صحبت کردن»، «جایی برای تبادل اندیشه». این مهم است. بنابراین، باید به نهاد کتابخانه، کتابخانه‌های مدارس، کتابخانه‌های عمومی به‌عنوان یک پایگاه تاریخ شفاهی برای دوره کودکی و نوجوانی توجه کرد تا در بزرگسالی جامعه‌ای به‌گونه دیگری داشته باشیم. نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم، در مورد کتاب خودم هست. دوستان، بزرگواران، استادان فرمودند که دستورالعمل‌ها وجود دارد، ولی وقتی که خانم صالحی پژوهشگر بسیار کوشنده سازمان



اسناد تشریف آوردند و من ساعت‌ها در برابر دوربین قرار گرفتم، خیلی خیلی صحبت کردم و قرار هم نبود که این سند شفاهی چاپ بشود. فرض من بر این بود که این سند به عنوان یک سند گفتاری در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی باقی می‌ماند برای پژوهشگرانی که بخواهند صحت مطلبی را تطبیق بدهند یا مقابله بکنند یا به هر حال نگاه مرا به عنوان کسی که حالا نقش کوچکی در روند کتابداری ایران داشته بررسی کنند. قضیه تمام شد. پس از ۱۵ سال خانم صالحی تلفن زدند که سازمان تصمیم گرفته که این سند را چاپ کند و پیاده شده آن مصاحبه را در اختیار من قرار دادند و آنجا خیلی بحث‌ها مطرح شد. آیا اصلاً من باید اجازه می‌دادم که این کار انجام بشود؟ آیا اصلاً مصاحبه‌کننده باید اجازه می‌داد که مطلب شفاهی او از صافی ذهن یک ویراستار بگذرد؟ چون به هر حال پیاده کردن صد درصد امکان ندارد. شما می‌دانید که در بحث قصه هم همین‌طور است. یک قصه‌گو هر قصه‌ای را که می‌گوید، یک جوری آن را ویرایش می‌کند. بنابراین، آیا اساساً ویراستاری اول مجاز بوده یا نه؟

بعد شما با یک سندی مواجه می‌شوید که در زمان مصاحبه همه آن بوده، بعد الان همه مطالب قدیمی شده، گذشته. چه بکنیم؟ ببینید، خانم صالحی زحمت بی‌نهایت کشیدند و تصمیم بر این شد که در حقیقت یک اثری به نوعی جدید بر پایه آن مصاحبه خلق بشود و محدودیت آن اثر اصلی برداشته شود. این اثر اثری است که جامعه الان می‌تواند با لذت بخواند، یعنی نوعی احترام به جامعه است. در عین حال که اگر محقق بخواهد، باید برود و آن سند اصلی را گوش بکند و در جاهای مختلف مطالبی بیان شده است.

بنابراین، حاصل این شد که چه بکنیم؟ آیا از گروه استفاده بکنیم؟ آیا وقتی که ایشان از من سؤال کردند که استادان من در کانادا چه کسانی بودند یا دوستان من چه کسانی بودند و من در آن موقع از دو نفر اسم بردم و واقعاً لازم بوده از ۶ نفر دیگری هم اسم ببرم، آیا باید همه اینها را در گروه قرار بدهیم؟ یا این که فکر می‌کنیم که اثر جدیدی دارد به‌وجود می‌آید در خدمت خواننده‌ای وسیع‌تر و این ظرایف را به کار نمی‌بریم. ایشان مجبور شدند لااقل ۵۰ تا پانویس به متن اضافه کنند و من می‌خواهم واقعاً از ایشان تشکر کنم، به‌خاطر زحمت بسیار زیادی که کشیدند و همراهی‌ای که با من کردند، برای اینکه اثر مستند بشود. اینها همه نیاز به جست‌وجو داشته. من فقط یک اسم به کار بردم و مطمئناً ایشان ساعت‌ها وقت گذاشتند. بنابراین، خوشحالم و بسیار راضی از اینکه این اثر به‌وجود آمد. امیدوارم سایر آثار هم همین‌طور به مرور با دقت به‌وجود بیاید. به‌ویژه در این مصاحبه‌ها یک مصاحبه مهم هست از خانم توران میرهادی که اسم کتاب او «افسانه پیروز» است که خانم ندا رسولی کار کردند و یک مصاحبه دیگری از مرحوم خانم منصوره راعی. هر دوی این مصاحبه‌ها برای مسئله نظام آموزش و پرورش در ایران که در حال حاضر بسیار بحران‌زده است، بسیار بسیار مهم است. این‌ها آدم‌هایی بودند که واقعاً



کار کردند و می‌دانستند که چکار کردند. می‌دانم که «افسانه پیروز» در راه است و امیدوارم که اثر خانم راعی هم به‌دست بیاید. خوشحالم که اثر خانم قزل ایغ همکار بزرگوار من، استاد بسیار تأثیرگذار، امروز رونمایی شد. از همه شما سپاسگزارم و برای شما آرزوی سلامتی و توفیق دارم. امیدوارم همین‌طور که اشاره شد، نخستین بانوی رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی، در این امر در کنار همه همکارانشان موفق باشند.

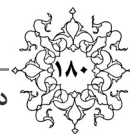
متن سخنرانی: آقای حسن طاهر دل

بسم الله الرحمن الرحيم

جو گویی که وام خرد تو ختم
همه هر چه بایستم آموختم
یکی نغزبازی کند روزگار
که بنشاندت نزد آموزگار

عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضار محترم، خانم‌ها و آقایان. این دو بیتی را که در مطلع قرائت کردم، در واقع حدیث نفس این حقیر است که باید در محضر اساتید و بزرگان و آموزگاران مصدع اوقات بشوم که خواهید بخشید. هشتادمین سال تولد کتابخانه ملی ایران را تبریک عرض می‌کنم. گفتنی‌ها را گفتند و من به واقع هر چه از تاریخ یا از تاریخ‌شفاهی بخواهم صحبت کنم، در محضر اساتید عزیز زیره به کرمان بردن است. فقط از بابت اینکه اطاعت امر کردم از آقای دکتر عزیزی عزیز که فرمودند چند دقیقه‌ای را مصدع بشوم و پاسخی به محبت‌های سرکار خانم نیک‌نفس و همکاران محترمشان که فرصت نیست از تک‌تک این عزیزان اسم ببرم، داده باشم. در این مدتی که در خدمت‌شان بودم، با صبر و حوصله و بردباری و محبت این بنده را تحمل کردند.

من فقط چند نکته را راجع به تاریخ‌شفاهی گذرا می‌گذرم و دو تا مطلب را که یکی تجربه این بنده است و یکی هم در واقع یک یادبودی و یک یادی از یک مدیری که امروز در بین ما نیست و مشکلی که آن زمان مطرح شده بود و هنوز هم تداوم دارد. نکته‌ای را که می‌خواستم عرض کنم، این ۱۰۰۰ مصاحبه‌ای که این عزیزان زحمت کشیدند و انجام دادند، خودشان هم گنجینه‌ای هستند. اگر بشود واقعاً یک روزی پای صحبت خود این عزیزان بنشینیم، اینهایی که با صبر و حوصله نکات تاریک مسائل را از درون مصاحبه‌شونده‌ها بیرون می‌کشند و با صبر و حوصله آن‌ها را جمع‌آوری می‌کنند. من حتی با بعضی از این عزیزان صحبت کردم، عرض کردم یک بار شما در مقام مصاحبه‌شونده بنشینید، چون یک دنیا تجربه دارند. امیدوارم حالا این پیشنهاد بنده با توجه به فرصت کمی که هست مورد توجه قرار بگیرد، چون خود آن تاریخ‌شفاهی یک گنجینه‌ای



را قطعاً گردآوری خواهد کرد.

راجع به تاریخ عرض کنیم. این روزها معمولاً این گونه شده که ظاهراً مخالف خوانی و انتقاد کردن ارزش شده است. من می‌خواهم دفاع بکنم از آنچه که دارد انجام می‌شود. تردیدی نیست که تاریخ را حاکمان می‌نویسند و اگر یک مقداری بخواهیم منصفانه قضاوت کنیم، باید بگوییم حاکمان تاریخ را تفسیر می‌کنند، اما اینکه این سعه صدر و این آمادگی پذیرش باشد که قرائت‌های دیگری را هم از تاریخ، حتی از فرودستان بشنوند، این به‌یقین رخداد مبارکی است که باید ارج نهاد و این کاری است که به‌طور رسمی دارد انجام می‌شود و باید به ارزش آن ارج بگذاریم و باید سپاس و تشکر خودمان را به آن عرضه بکنیم به این عزیزانی که زحمت می‌کشند.

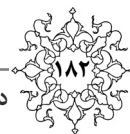
و اما راجع به تاریخ. من برای اینکه وارد بحث اصلی بشوم، گفته‌اند آنکه از گذشتگان عبرت نگیرد، لاجرم عبرت آیندگان شود. شهید بزرگوار استاد مطهری در کتاب «انسان و ایمان» یکی از منابع تفکر در اسلام را تاریخ ذکر می‌کند. ایشان سه‌گانه‌ای را ذکر می‌کند و یکی از آن منابع تفکر تاریخ است. پس او خود ارزش تاریخ را به درستی روشن می‌کند و تاریخ شفاهی که در واقع در این رابطه موضوع بحث امروز است. اما من دو نکته‌ای را که عرض کردم، چون زمان کوتاه است و به هر حال نمی‌خواهم چندان مصدع بشوم، تجربه بنده است. این تجربه را به نتیجه رسیدم و به واقع آزمودم که در جایگاه کسی که نسبت به مافوق خود چه در مادون - مادونی که عرض می‌کنم منظور مادون اداری است - و چه در همسطح خودمان، تعامل بهتر از تقابل است به‌یقین. آنجایی که ما تعامل می‌کنیم، چه از واحدهای کوچک جامعه یعنی خانواده است شروع کنیم، چه در سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی بپذیریم که این واقعیت وجود دارد که ما همه با همدیگر تفاوت داریم، ما همه با همدیگر اختلاف در ظاهر و در عقیده داریم. پس این اختلافات باعث نشود که ما مسائل و خوبی‌ها را نبینیم. من در درون خانواده عرض می‌کنم. اختلاف نظرها موجب نشود که ما خوبی‌های همدیگر را فراموش بکنیم. در سیاست داخلی و در همکاری با افراد هم همین است. من به نتیجه رسیدم و شهادت می‌دهم آنجایی که توانستیم حتی با کسانی که به ظاهر مخالف ما بودند، مخالف سیاسی، مخالف عقیدتی، در کنار هم روی یک نکته و آن منافع ملی و آن مصالح کشور و آنچه را که به آن عقیده داریم، اگر بخواهیم با هم یکی بشویم، می‌توانیم ۸۰ درصد راه را طی کنیم. البته من بارها در جریان مصاحبه عرض کردم، منظورم این نیست که ما هیچ مشکلی نداشتیم و هیچ تنشی نداشتیم و همه چیز سر جای قضیه بود، اما نه آنجایی که توانستیم با هم کار کنیم، توانستیم اختلافات را هضم کنیم، آنجا توانستیم موفق بشویم. این عرض من نیست، کلام خداست. می‌بینیم که خداوند منان در رابطه با خوبی‌ها ۱۰ برابر حسنه می‌دهد و در برابر بدی‌ها هم طراز آن در برابر با گناهان. من همین جور که مطالعه می‌کردم، آیه ۳۴ سوره فصلت می‌گوید: «قطعاً گناه و صواب و عمل نیک و عمل بد یکی نیست.» اما اگر ما بتوانیم عمل



بد مخالفین خود را- من لفظ دشمن را به کار نمی‌برم- با عمل نیک پاسخ بدهیم، قطعاً می‌توانیم آن را به راه بیاوریم. این نکته‌ای است که بنده ذکر آن را اینجا لازم می‌دانستم.

نکته دیگر، من در یک مقطع مدیریتی، بخشی از آیه ۸ سوره مائده را سرلوحه کارم روی تخته سفیدی- به قول امروزی‌ها وایت‌برد- نوشته بودم: «و لایجرمنکم شان قوم علی الا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی». به قسمت «اعدلوا هو اقرب للتقوی» تأکید داریم که ما عدالت را رعایت کنیم. مخالفت باعث نشود که ما خوبی‌ها را نبینیم. به یقین در قالب تفاوت‌ها می‌شود آن خوبی‌ها و آن همراهی‌ها و آن همدلی‌ها را بیرون کشید و بر اساس آن حرکت کرد. فرق نمی‌کند ما از کدام منظر به این قضیه نگاه کنیم؛ مدافع هستیم، موافق هستیم، منتقد و یا حتی مخالف. لحظه‌ای اگر ببینیم که می‌توانیم با کسانی که با ما اختلاف هم دارند در یک موضوعی، همراهی بکنیم، همدلی بکنیم و یک مصلحتی را به منصفه ظهور بگذاریم.

و اما نکته دیگر که این نکته در واقع مشکل امروز ماست. این قضیه بر می‌گردد به ۲۸ سال پیش. من دقیقاً تاریخش را به خاطر دارم ۱۳۶۸/۶/۱۴ و آن فردی را که از او یاد می‌کنیم، مرحوم دکتر نوربخش است. خدا رحمتش کند. تازه دولت اول مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی از مجلس رای اعتماد گرفته بود. بنا بود که من هم از وزارت دارایی به محل اصلی خودم، چون من کارمند رسمی بانک ملت هستم و الان هم بازنشسته آنجا، حالا صرف‌نظر از سوابق مربوط به تدریس و تحقیق و ... که هست، در مقطعی در وزارت امور اقتصادی و دارایی و مقطعی هم در صدا و سیما در یکی از استان‌ها افتخار خدمت را داشتم. ایشان به یک نکته‌ای اشاره کرد. قبل از اینکه این نکته را عرض کنم، در طول زندگی ما، حالا حتی اگر ۶۰ سال، ۷۰ سال، ۱۰۰ سال هم بشود، این در مقایسه با تاریخ، چندان مقطع طولانی نمی‌تواند در نظر گرفته بشود، ولی ما در همین مقطع کوچک زندگی چه چیزهایی را دیدیم. یک انقلاب عظیم، یک فروپاشی ابرقدرت، یک جنگ طولانی، و ... که اگر هر کدام از آن‌ها را بخواهیم به رشته تحریر در آوریم و همین‌طور هم که الان ادامه دارد، خیلی مسائل دیگری هم کنارش هست. حالا من در جایگاه برشمردن اینها نیستم با توجه به محدودیت زمان، ولی آن زمان آقای دکتر نوربخش یک نکته‌ای را اشاره کرد که من امروز به یاد دارم. ایشان می‌گفتند که خب انقلاب به پیروزی رسید، چون من با ایشان به هر حال از نظر کاری از زمانی که سرپرست وزارت امور اقتصادی و دارایی در دولت شهید رجایی بودم تا بعد که در مقطعی وزیر و رئیس کل بانک مرکزی و حالا در مقطعی هم معاونت اقتصادی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی بودم و زمانی هم نماینده مجلس، سیر طولانی را حالا در مقطعی در خدمت ایشان هم داشتیم. ایشان گفتند انقلاب پیروز شده، از نظر سیاسی ما کاملاً تثبیت شدیم، از نظر دفاع مقدس و جنگ، آن رعب و اقتدار را با آبرومندی پشت سر گذاشتیم. دو ذخیره انقلاب، منظور اشاره ایشان به آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله رفسنجانی، یکی در مقام رهبری و یکی در مقام ریاست‌جمهوری سکان کشور را به دست



دارند. در آنجایی که ما متأسفانه توفیقی نداشتیم، بخش اقتصاد بود و امروز هم حرف ما همین است. من عرض تمام، فقط اشاره بکنم که حیف است، دولتی که امروز بر سر کار است، دولتی است که راجع به اقتصاد، به تعبیر فرنگی‌ها مانیفست یا برنامه دارد. دو تا کتاب خیلی مهم دارد که توسط آقای روحانی و همکاران‌شان تدوین شده؛ یکی در رابطه با مسئله هسته‌ای و امنیت ملی است و یکی هم در رابطه با اقتصاد. خب حالا همکاری کنیم که دوباره چند سال دیگر نیایم بگوییم مشکل اساسی ما اقتصاد است، چون کاروان توسعه و کاروان علم لحظه‌ای درنگ نخواهد کرد و راه خودش را خواهد رفت. یا دیگران از زبان حافظ به ما نگویند:

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی، ره ز که پرسی، چه کسی، چون باشی
والسلام علیکم و رحمہ‌الله و برکاتہ

متن سخنرانی: آقای دکتر اقبال قاسمی پویا

سلام علیکم.

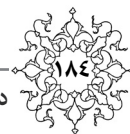
به نام خداوند جان و خرد. می‌دانم که خسته هستید و آخرین سخنران هم که همیشه بدشانسی دارد. اسم کوچک من اقبال است، این است که همیشه بدشانسی می‌آورم و آخر می‌افتم. این است که نه حوصله خیلی زیاد است و نه اینکه مطلب خیلی نو و قابل توجه، چون همه می‌گویند دیگر. همچنان که استاد گفتند، آخری چیز دیگری نمی‌گوید، ولی من سعی می‌کنم از آن فازها بیایم بیرون و مختصری از احساس و تجربه زیستن بگویم که شاید آن با سخنانی که بزرگواران ایراد فرمودند، یک کمی متفاوت باشد.



اولاً این که من خودم حدود ۵۳ سال است که در آموزش و پرورش فعالیت دارم و یکی از راویان مسائل آموزش و پرورش در دوره شاه بودم. من خودم سپاه دانش بودم. راجع به برنامه سپاه دانش و آموزش و پرورش تا دوره سپاه دانش صحبت کردم. امیدوارم که یک روزی این مسائل مطرح بشود و مورد استفاده قرار بگیرد. دومین موضوع در اهمیت قضیه، من فقط احساسم را می‌خواهم بگویم. روزی که آقای جواهردهی مصاحبه‌گر عزیز، بنده را تلفنی دعوت کردند اینجا و خواستم بیایم اینجا بنشینیم با هم صحبت بکنیم، رک و راست من خیلی بدبین بودم. گفتم مگر می‌شود آدم بیاید یک جایی بنشیند، در یک دستگاه رسمی و حرف‌هایی را بزند و آن حرف‌ها ضبط بشود و بعداً منتشر بشود؟! یعنی آن ذهن وحشت‌زده من و آن ذهن خودسانسوری به من این بدبینی را داد که نه بابا اینجا هم ممکن است خیلی سؤالات رسمی و قالبی و ... بپرسند. من به ایشان عرض کردم که آقای جواهردهی مرا ببخشید چون آدم رک‌گویی هستم. هم به دلیل شخصیتم و هم به دلیل فرهنگ آذربایجانی که در آن بزرگ شدم، رک و راست می‌خواهم حرف دلم را بزنم. شما می‌پذیرید؟ گفت بله ما هیچ کاری با شما نداریم.

ما آمدم و قرار بود دو سه جلسه‌ای با هم صحبت بکنیم که کشید به هفت جلسه و سخن همچنان ناگفته و تمام نشده باقی ماند، ولی حرف‌ها آنجا زده شد. از این نظر من خیلی خوشحالم و تبریک می‌گویم به دوستان عزیزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی که دارند این مصاحبه‌ها را ضبط می‌کنند. من خود شاهد عینی بودم که آنچه را که خودم دلم می‌خواست گفتم. حالا دیگر این چقدر پخش بشود یا نشود و کجا مورد استفاده قرار بگیرد، این یک نکته مثبت قضیه هست برای من. این یک. دوم اینکه من پژوهشگر تاریخ و معلم آموزش و پرورش هستم. دوستان و بزرگواران اینجا همه فرهیخته هستند و من آن‌ها را از چهره‌ها و آثار می‌شناسم. همه ما می‌دانیم که سند یعنی چی. سند یعنی همه چیز یک محقق تاریخ. تا سند نباشد که تاریخ وجود ندارد. پس بنابراین، اگر محقق بنام است، به نظر من در درجه اول به اسناد خوبی دسترسی دارد. باز یک خاطره، چون من تجربه زیستی را می‌گویم.

من داشتم در مورد مدارس جدید در دوره قاجار تحقیق می‌کردم. این تز پایان‌نامه دکترای من است. بحث من این بود که چطور شد که مدارس قدیمه و مکتب‌خانه‌ها برگشت شد مدرسه؟ داستان این قضیه را در ایران می‌خواستم تحلیل کنم. رفتم و رفتم، ایالات و ولایات را بگردم، ۱۰ سالی طول کشید. حدود ۳۵۰، ۴۰۰ منبع هم پیدا کردم. مانده بودم ولایت فارس را بنویسم. هر چه کردم استان فارس را پیدا نکردم. آخر، باز رفتم کتابخانه ملی که آن موقع مرکز شهر بود، گفتند که بله این هست اینجا، اما دانش به بیرون غدغن است. از آن مسئول پرسیدم: استاد چرا؟ گفت: این قدر از سند فتوکپی گرفتم، دارد از بین می‌رود. گفتم شما زحمت بکشید آن را بدهید به من. کار من این است. من دارم یک مسئله‌ای به این نام می‌نویسم. من سند را زنده می‌کنم. بالاخره



آن را داد و من خوشبختانه توانستم بر مبنای آن استان فارس را هم بنویسم که الان اینجا هست. اگر اسناد در دسترس باشد، شاید بگویم ۵۰ درصد مشکل محقق حل است. حالا مانده بقیه، ساختار دادن و تحلیل و ... خب این یک قضیه که اهمیت سند به نظر من نقش اساسی را بازی می‌کند. بعد از آن، موضوع ابهام زدایی‌ها است. متأسفانه به دلیل نبودن سند، بسیاری از تحلیل‌ها یا قالبی است یا پر از ابهام است یا بالاخره استنباط‌های شخصی دست محقق است و قس علی هذا که بزرگانی که پژوهش می‌کنند، خودشان بهتر از من می‌دانند، اما وقتی این سند در اختیار باشد، خیلی از قضایا روشن می‌شود. من دو تا مثال عرض می‌کنم و دیگر عرضم را تلاش می‌کنم زود پایان بدهم.

ببینید، در اوایل انقلاب به‌ویژه جوانان، به دلایل آن شرایط انقلابی که وجود داشت، این تفکر ساری و جاری بود و من هم که معلم هستم شاهد قضایا بودم که این حکم صادر شده بود که در زمان شاه به مسائل دینی و تعلیمات دینی و قرآن توجه نمی‌شد. خب این یک حکم. حالا تاریخ‌شناس چه بگوید؟ من که خودم متولد ۱۳۲۴ هستم و در همان مدرسه رژیم هم بزرگ شدم، یک شاهد خودم بودم. خب ما تعلیمات دینی که داشتیم هیچی، هر روز صبح بدون استئنا قاری قرآن می‌آمد زیر زنگ می‌ایستاد و قرآن را می‌خواند و می‌رفتیم سر کلاس. من در اردبیل مدرسه امیر معزی تحصیل می‌کردم. کلاس چهارم مرحوم آقای جلالی، استاد ما، بزرگوار مدیر ما، همه ما را جمع می‌کرد و می‌برد مسجدی بود به نام «داچیلار» و آنجا به جماعت نماز برقرار می‌شد. خب من حالا این را در مصاحبه‌ام گفتم. این دیگر مانده به عهده تحلیل‌گر تاریخ و آن پژوهشگری که هست.

یا یک تفکر قالبی دیگر، بیشتر گفته شده و دیده می‌شود در استدلال‌ات و بحث‌ها، چه در محافل خانوادگی دوستانه و چه در محافل مجازی که فرض بفرمائید که شاه خیلی می‌خواست به آموزش و پرورش توجه بکند، ولی مثلاً دور و برش نمی‌گذاشتند و ... من تاریخ‌شاهی هاروارد را که ۱۴ جلد است، ورق زدم. آنجا با چهار استاد بزرگوار، دکتر مجتهدی، دکتر محمد مشایخی، دکتر جعفر محجوب، و خانم هما ناطق که همه آن‌ها استاد من بودند، با مطالبشان آشنا شدم. آن‌ها خاطراتشان را آنجا گفتند و بسیار هم خواندنی است. جالب است، آقای دکتر محمد مشایخی که استاد من در دانشگاه تربیت معلم بودند، خودشان هم شاگرد اول دانشسرا بودند و رئیس آنجا، گفت در کنفرانس رامسر بحث حقوق معلمان مطرح شد. شاه صحبت کرد و گفت چرا معلمان ناراضی هستند؟ آن‌ها که هفته‌ای ۲۰ ساعت بیشتر تدریس نمی‌کنند و بقیه آن را هم شغل آزاد دارند. دیگر چه مشکلی دارند؟ من بلند شدم و به زبان مثلاً آن روزگار گفتم اعلیحضرتا این جوری نیست. اولاً آن‌هایی که می‌آیند دانشگاه تربیت معلم، از نظر معدل و خانواده پائین‌تر از آن‌هایی هستند که دانشگاه تهران و فنی و غیره و ذالک می‌روند و دوم اینکه به این وضع نیست.



خب الان محقق تاریخ آموزش و پرورش این یک سندی است که بوده و خودش صحبت کرده و ایشان هم آن سخن را گفته. حالا ممکن است سخن‌های دیگری هم گفته باشد. بنابراین، می‌خواهم عرض کنم که سند بسیار مهم است. استاد اشاره کردند آن پازل را، حالا شاید بغل دست این استدلال‌های من یا روایت‌های من، پازل‌های دیگری هم باشد که نشان بدهد که نه گرایش ما، استنباط ما به‌گونه‌ای دیگر باید باشد. خیلی ممنون. من اینجا عرضم را پایان می‌دهم. من وظیفه خود می‌دانم از این سازمان که واقعاً زحمت فراوانی می‌کشند و این اسناد را جمع‌آوری می‌کنند و به‌نظر من خیلی مهم است، تشکر می‌کنم.

